

قانون نظارت بر رفتار قضات

فصل سوم - آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی - سوم

فصل سوم - آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی

ماده 22

ماده 22 - جهات قانونی برای شروع تعقیب و رسیدگی انتظامی به قرار زیر است:

1 - شکایت ذی نفع یا نماینده قانونی او

2 - اعلام رئیس قوه قضائیه

3 - اعلام رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور

4 - اعلام شعبه دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به پرونده قضائی

5 - ارجاع دادگاه عالی

6 - اطلاع دادستان

تبصره 1

تبصره 1 - در مورد بند (6) هرگاه دادستان پس از بررسی ابتدائی موارد اعلام شده را بی اساس تشخیص دهد، دستور بایگانی آن را صادر می کند و در غیر این صورت برای رسیدگی به یکی از دایاران ارجاع می نماید.

تبصره 2

تبصره 2 - تصمیم دادرسی مبنی بر تعقیب یا عدم آن به نحو مقتضی به اطلاع شاکی می رسد.

ماده 23

ماده 23 - رؤساء دادگستری مراکز استان‌ها موظفند شکایات انتظامی مردم در برابر قضات را دریافت نموده و پس از ثبت در دفتر مخصوص و تسلیم رسید به شاکی حداکثر ظرف یک هفته به دادرسی انتظامی قضات ارسال نمایند.

تبصره

تبصره - شاکی می‌تواند برای شکایت یا اطلاع از روند پرونده به دادرسی انتظامی قضات نیز مراجعه نماید.

ماده 24

ماده 24 - چنانچه دادیار در حین رسیدگی به پرونده، تخلف دیگری را کشف کند موظف است نسبت به آن نیز رسیدگی و اظهارنظر نماید.

تبصره

تبصره - چنانچه عمل ارتكابی قاضی عنوان جزائی نیز داشته باشد مدارک مربوط جهت رسیدگی برای مرجع صالح قضائی ارسال می‌شود.

ماده 25

ماده 25 - در موارد زیر تعقیب انتظامی موقوف می‌شود:

1 - موضوع پرونده انتظامی قبلاً رسیدگی شده باشد.

2 - موضوع پرونده انتظامی مشمول مرور زمان شده باشد.

3 - قاضی که تخلف به وی منسوب است، فوت شده یا بازنشسته، بازنشسته، مستعفی و یا به هر نحو دیگر از خدمت قضائی به طور دائم منفک شده باشد.

تبصره

تبصره - مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی سه سال است.

ماده 26

ماده 26 - قضات دادسرا در جهت انجام وظایف می‌توانند اطلاعات، اسناد و اوراق مورد نیاز را از مراجع قضائی، وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی مطالبه نمایند.

مراجع مزبور مکلفند به فوریت نسبت به اجابت خواسته اقدام و نتیجه را اعلام نمایند. عدم اجابت به موقع، تخلف اداری محسوب و متخلف یا مقام مسئول مراجع مذکور، به یک ماه تا یک سال انفصال از خدمت محکوم می‌شود.

ماده 27

ماده 27 - قضات دادسرا می‌توانند راجع به تخلف انتظامی از ذی نفع، افراد مطلع و قاضی که تخلف منتسب به او است با رعایت شأن قضائی توضیحات لازم را اخذ نمایند.

ماده 28

ماده 28 - در صورتی که دادیار پس از رسیدگی، عقیده به تعقیب قاضی داشته باشد و دادستان هم با وی موافق باشد، کیفرخواست تنظیم و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه عالی ارسال می‌شود و چنانچه دادستان به منع یا موقوفی تعقیب انتظامی معتقد باشد با اصرار دادیار بر نظر خود، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی ارسال می‌شود و رأی دادگاه متبع خواهد بود. در سایر موارد نظر دادستان لازم الاتباع است.

ماده 29

ماده 29 - دادستان می‌تواند با وجود احراز تخلف از ناحیه قاضی با توجه به میزان سابقه و تجارب قضائی و همچنین با در نظر گرفتن حسن سابقه و درجه علاقمندی قاضی به انجام وظایف محوله و سایر اوضاع و احوال قضیه، تعقیب انتظامی او را تعلیق و مراتب را به او اعلام نماید، مشروط بر این که تخلف مزبور مستلزم مجازات انتظامی از درجه هشت و بالاتر نباشد.

ماده 30

ماده 30 - رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (171) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.

تبصره

تبصره - تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست.

ماده 31

ماده 31 - قاضی که تعقیب انتظامی او تعلیق شده است، در صورت ادعای عدم ارتکاب تخلف می‌تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ قرار تعلیق تعقیب، رسیدگی به موضوع را از دادگاه عالی درخواست کند. در این صورت چنانچه دادگاه عالی، قاضی را متخلف تشخیص دهد او را به مجازات انتظامی محکوم می‌کند.

ماده 32

ماده 32 - تعلیق تعقیب انتظامی هر قاضی با رعایت شرایط مقرر در این قانون برای هر دو سال از تاریخ ابلاغ قرار تعلیق بیش از یک بار امکانپذیر نیست. در صورتی که قاضی با وجود برخورداری از تعلیق تعقیب، ظرف دو سال از تاریخ ابلاغ قرار مذکور، مرتکب تخلف جدیدی شود با صدور کیفرخواست دادستان، تخلف مشمول تعلیق نیز در دادگاه عالی، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

ماده 33

ماده 33 - به تخلفات انتظامی قضات در دادگاه عالی و به موجب کیفرخواست دادستان و در محدوده کیفرخواست رسیدگی می‌شود.

ماده 34

ماده 34 – رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پس از وصول پرونده، رسیدگی را به یکی از شعب ارجاع می‌نماید. شعبه پس از ثبت پرونده، نسخه‌ای از کیفرخواست را از طریق رئیس کل دادگستری استان در اسرع وقت به نحو محرمانه به قاضی تحت تعقیب انتظامی ابلاغ می‌کند و نسخه دوم ابلاغ شده، اعاده می‌گردد. قاضی یاد شده می‌تواند دفاعیات خود را به همراه مستندات ظرف یک ماه پس از ابلاغ ارائه نماید.

تبصره 1

تبصره 1 – ابلاغ جز در موارد مصرح در این قانون، تابع آیین دادرسی مدنی است.

تبصره 2

تبصره 2 – در غیاب رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پرونده‌ها، به ترتیب توسط روسای شعب بعدی ارجاع می‌شود.

ماده 35

ماده 35 – جلسه دادگاه عالی با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود و در صورت عدم حضور هر یک از آنان عضو معاون جایگزین می‌گردد و رأی اکثریت، مناط اعتبار است. در صورت درخواست دادستان یا صلاحدید دادگاه، دادستان یا یکی از معاونان یا دایاران به نمایندگی از وی به منظور دفاع از کیفرخواست و اداء توضیحات لازم در جلسه حضور می‌یابد.

ماده 36

ماده 36 – آراء دادگاه عالی مبنی بر محکومیت قاضی به مجازات تا درجه پنج، قطعی و در سایر موارد توسط محکوم علیه و در مورد آراء برائت توسط دادستان، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه عالی تجدیدنظر است.

تبصره 1

تبصره 1 - شروع مهلت اعتراض برای دادستان، تاریخ وصول پرونده در دبیرخانه دادرسی است.

تبصره 2

تبصره 2 - نحوه ابلاغ آراء به شیوه ابلاغ کیفرخواست است.

ماده 37

ماده 37 - محکوم علیه می‌تواند نسبت به تمامی احکام محکومیت قطعی یا قطعیت یافته به مجازات درجه پنج به بالا، صادره از دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر، در صورت وجود یکی از موجبات اعاده دادرسی، درخواست اعاده دادرسی نماید. این درخواست حسب مورد به دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر صادرکننده رای تقدیم و در صورت تجویز اعاده دادرسی از سوی دادگاه مذکور، در همان دادگاه رسیدگی می‌شود.

تبصره

تبصره - جهات اعاده دادرسی در این ماده، تابع آیین دادرسی کیفری است.

ماده 38

ماده 38 - اجرای احکام قطعی دادگاه‌های عالی بر عهده دادرسی است.